

ترکیه

تا آخرین فرصت ها در انتظار پیروزی آلمان هیتلری بود

جلوتر، درباره نقشه های چرچیل برای استفاده از مسئله ترکیه برای تأخیر در افتتاح جبهه دوم توضیح دادم. اینک با تفصیل بیشتر به این مسأله می پردازم. مسأله ورود ترکیه به جنگ توسط نخست وزیرانگلستان با این تأکید که انگلستان اهمیت بسیاری به آن می دهد، مطرح گردید.

باید در نظر داشت که این مسئله طی مدت مدیدی در لندن مورد بحث قرار گرفته بود. در اواخر سال 1943 موضوع ورود ترکیه به جنگ در لندن مسئله گرهی متحدین در بخش شرقی دریای مدیترانه بشمار می رفت. از آن جا که اوضاع نظامی سوق الجیشی به واشنگتن و لندن اجازه نمی داد نیروی نظامی را در بالکان گسترش دهند، انگلیسی ها توجه خود را به دریای اژه معطوف کرده بودند تا ترکیه را برای ورود به جنگ راضی سازند و در نتیجه به تحقق نقشه های چرچیل نایل آیند. بعقیده لندن که مدتی پیش از گفتگوهای ایدن وزیر امور خارجه انگلستان با "سلمنجی اغلو" وزیر امور خارجه ترکیه 5-8 نوامبر در قاهره اظهار شده بود یک نظر سیاسی برای ورود ترکیه به جنگ وجود داشت. وزارت امور خارجه انگلستان عقیده داشت که ورود ترکیه به جنگ بهترین، بلکه یگانه وسیله «بازداشتن روس ها از کنترل بالکان» بود. اگر ترک ها بی طرفی را حفظ کنند بدیهی است که نیروی بریتانیا نخواهد توانست قبل از رفتن آلمانی ها و یا قبل از «اسقرار روس ها» در بالکان به آنجا راه یابد.

در کنفرانس تهران هیئت نمایندگی انگلیس ضمن متقاعد ساختن دوشرکت کننده دیگر به اهمیت ورود ترکیه به جنگ در ائتلاف ضد هیتلری «مزایای بزرگی» را که از این امر عاید متحدین می گردید متذکر می شد: باز شدن راه بالکان؛ باز شدن راه های ارتباطی داردانل به دریای سیاه. چرچیل اطمینان می داد که از همه اینها می شود هم برای اعزام نیروی دریائی کمکی برای اتحاد شوروی و هم برای رساندن محمولات به اتحاد شوروی از راه کوتاه استفاده نمود.

بالاخره یک دلیل اضافی نیز پیش کشیده می شد: احتمال خروج رومانی و بلغارستان از جنگ و هم چنین بمباران اروپای جنوب شرقی و قبل از هر چیز، میدان های نفت رومانی از پایگاه های آلمان.

هیئت نمایندگی شوروی هم اصولاً طرفدار شرکت ترکیه در جنگ به طرفداری از متحدین بود. اما در یکی از اجلاس های عمومی کنفرانس استالین از چرچیل پرسید:

- اگر ترکیه وارد جنگ شود، در این صورت چه اقداماتی در نظر است؟
چرچیل جواب داد:

- می توانم بگویم که برای اشغال جزایر واقع در امتداد کرانه غربی ترکیه بیش از دو سه لشکر ضروری نیست. آن وقت کشتی های حامل محمولات می تواند به ترکیه و دریای سیاه برود. اما اولین کاری را که انجام خواهیم داد این است که 20 واحد نیروی هوائی و چند هنگ نیروی ضد هوائی برای ترک ها اعزام کنیم. این کار زیانی به عملیات دیگر نمی زند. رئیس دولت شوروی پس از استماع این توضیح، نسبت به امکانات جلب ترکیه به طرف متحدین ابراز تردید نمود.

استالین گفت:

- بنظر من هر قدر هم روی ترکیه فشار بیاوریم حاضر نخواهد شد وارد جنگ شود. چرچیل منظورش را دقیق تر بیان نمود:

- منظور این است که دولت شوروی بسیار ذینفع است که ترکیه وادارد به ورود به جنگ کند. البته ممکن است نتوانیم آنرا به این کار واداریم ولی باید هرچه از دستمان برمی آید در این جهت انجام بدهیم.

استالین موافقت کرد:

- بلی، ما باید بکوشیم ترکیه را وارد جنگ کنیم. خوب بود اگر ترکیه وارد جنگ می شد. نخست وزیر بریتانیا پرسید آیا لازم نیست مسئله ترکیه را برای بررسی به کارشناسان نظامی واگذار کنیم؟

استالین مخالفت کرد:

- این مسئله هم سیاسی و هم نظامی است. ترکیه متحد بریتانیای کبیر است و با اتحاد شوروی و ایالات متحده مناسبات دوستانه دارد. ترکیه دیگر نباید با ما و آلمان بازی کند. سپس روزولت که قبلا موضع ایالات متحده را نسبت به ترکیه بیان نکرده بود، حرف زد. وی گفت:

- البته من طرفدار آنم که ترکیه را واداریم وارد جنگ شود، ولی اگر من رئیس جمهور ترکیه بودم چنان بهائی را برای این کار درخواست می کردم که تنها با ضربه خوردن عملیات "اورلرد" آنرا بشود پرداخت.

بحث پیرامون مسئله ترکیه در یکی از اجلاس های بعدی از سر گرفته شد. چرچیل گفت انگلستان که متحد ترکیه است مسئولیت آنرا به عهده می گیرد که آنکارا را متقاعد سازد، یا وادارد قبل آغاز سال جدید وارد جنگ گردد. چرچیل حرفش را ادامه داد:

- اگر رئیس جمهور بخواهد به ما بپیوندد و یا نقش رهبری را به عهده بگیرد این کار برای ما انگلیسی ها قابل قبول است. ولی ما به کمک مارشال استالین نیز احتیاج خواهیم داشت. از طرف دولت بریتانیا می توانم بگویم که حاضر است به ترکیه تذکر بدهد هرگاه پیشنهاد در مورد ورود به جنگ را قبول نکند، این امر ممکن است پیامدهای جدی را برای ترکیه داشته باشد و در حق آن نسبت به "بسفور" و "داردائل" تاثیر می گذارد. پیشنهاد می کنم بطور اساسی این مسئله را مورد بحث قرار دهیم. اگر ترکیه وارد جنگ نشود ما دچار ناکامی بزرگی خواهیم شد. علاوه بر این، من می خواهم نیرو و هواپیماهای مستقر در مصر، در صورت ورود ترکیه به جنگ هر چه زودتر مورد استفاده قرار گیرد. ملاحظاتی را که نخست وزیر بریتانیا مطرح کرد موجب هیچ بحث ویژه ای نشد و در نظر هم گرفته نشد.

تنها در آخرین روز کنفرانس، در ماه دسامبر، هنگام ضیافت صبح که در آن سران هیئت های نمایندگی و نزدیکترین معاونانشان شرکت داشتند مسئله ورود به جنگ دوباره مطرح گردید.

هاری هیکیس نزدیک ترین معاون ریاست جمهوری ایالات متحده گفت می خواهد بعضی ملاحظات را در مورد مسئله ترکیه طرح کند. او تذکر داد که موضوع دعوت از ترکیه برای ورود به جنگ به آن ارتباط دارد که ترکیه چه کمکی بتواند از بریتانیای کبیر و ایالات متحده دریافت کند. علاوه بر این لازم است ورود ترکیه به جنگ با استراتژی مشترک متحدین هماهنگ شود.

روزولت میان حرف او پریده و گفت:

بدیگر سخن، اینونو از ما خواهد پرسید که آیا ما از ترکیه پشتیبانی خواهیم کرد یا خیر. بنظر من این مسئله را باید بررسی کنیم.

استالین یادآور شد که چرچیل و عده کرده بود به ترکیه کمک کند.

روزولت گفت:

- اشکال من این است که ستاد امریکائی هنوز مسئله تعداد ناوهای مخصوص پیاده کردن نیرو را که برای عملیات «اورلرد» در انگلستان و برای عملیات در اقیانوس هند ضرور است، مطالعه نکرده است. بنابراین من در زمینه و عده ها به ترکیه باید طرف احتیاط را حفظ کنم.

چرچیل اعلام کرد که انگلستان آن چه را نمی تواند بدهد پیشنهاد نکرده بود.

چرچیل پرسید:

ممکن است امریکائی ها چیزی بر این تعداد بی افزایند؟ که بتوانیم واحدهای نیروی ضد هوائی را در اختیار ترک ها بگذاریم. و اما وسایل پیاده کردن نیرو در ماه مارس لازم خواهد بود و من گمان می کنم که بتوانیم این وسایل را در فاصله میان اشغال رم و آغاز «اورلرد» بیابیم.

من می خواهم با نظامی ها مشورت کنم. امیدوارم حق با چرچیل باشد ولی مشاوران من می گویند که در زمینه استفاده از ناوهای مخصوص پیاده کردن نیرو در فاصله میان رم و آغاز «اورلرد» ممکن است اشکالاتی بروز کند. آنها گمان می کنند که حتما باید تا آوریل ناوهای مخصوص پیاده کردن نیرو را که در عملیات «اورلرد» از آنها استفاده خواهد شد، داشته باشیم.

چرچیل مخالفت کرد:

- من هیچ اشکالی نمی بینم. لیکن ما هنوز هیچ پیشنهادی به ترکیه نکرده ایم و من نمی دانم آیا اینونو آنرا قبول خواهد کرد یا خیر. اوقرار است به قاهره برود و در آنجا با اوضاع آشنا شود. من می توانم به ترکها 20 واحد نیروی هوایی بدهم، هیچ نیروی دیگری به آنها نخواهم داد. گذشته از این، بنظرم احتیاج به نیرویی نداشته باشند. اما ریشه مسئله اینجاست که مطمئن نیستم اینونو به قاهره برود.

استالین با لحن استیغزاز آمیز پرسید:

- نکند بیمار شود؟

چرچیل فوراً حرف استالین را ادامه داد:

- کاملاً امکان دارد. اگر اینونو موافقت نکند برای دیدار با من و رئیس جمهور به قاهره برود در این صورت من حاضرم با یک رزم ناو نزد او بروم. اینونو به آنجا می رود و من دورنمای ناگواری را برای او ترسیم می کنم که ترکها اگر موافقت نکنند وارد جنگ شوند در پیش خواهند داشت و بر عکس، نتایج صحبت‌های خود با اینونو را ابلاغ می کنم.

چند روز پس از اتمام کنفرانس تهران، عصمت اینونو به قاهره پرواز کرد. 4-6 دسامبر در آنجا مذاکراتی بین او و چرچیل و روزولت صورت گرفت. این دیدار هیچ نتیجه ای نداد.

تنها در ماه اوت سال 1944 یعنی 2 ماه پس از افتتاح جبهه دوم در شمال فرانسه، دولت ترکیه قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با آلمان را اعلام نمود، 23 ماه فوریه سال 1945، بالاخره، ترکیه به آلمان و ژاپن اعلام جنگ کرد. تا آن زمان ارتش شوروی بلغارستان و رومانی را آزاد و به ارتش رهایی بخش یوگسلاوی کمک کرد کشورشان را از وجود فاشیست ها پاک کند. جبهه به فاصله 1000 کیلومتری از مرزهای ترکیه دور شد. ارتش ترکیه در صحنه اروپا هیچ مرز مشترکی با دشمن نداشت، تا چه رسد به ژاپن که نسبت به آلمان از ترکیه بسیار دورتر قرار داشت.